



گام‌هایی با کتاب "زخم شیشه" و علیرضا ذیحق

کتابی دیگر با نام "زخم شیشه" از علیرضا ذیحق را پیش رو دارم. مجموعه قصه‌ای است که ذیحق طی سالیان گذشته پرداخته است و از همه بیشتر "زخم شیشه" بامن آشناست. یا بهتر بگویم من با "زخم شیشه" آشنایی چندین ساله‌ای دارم، آن آشنایی که پیوند محکمی با "آدینه" * داشت. "زخم شیشه" دومین قصه از کتاب است. قصه‌ی اول "برفای لگدکوب شده" است و "حنجره لال" سومین قصه و بعد از آن "سرداب نموک"، "کوه‌ها نیز می‌گریند"، "عمو عباد" و "خط‌های پررنگ". "زخم شیشه" کتاب است در 76 صفحه، طرح روی جلدش اثر استاد جعفر نجیبی است که این روزها از تهران به خوی کوچیده است. ناشر این اثر "زوفا" است، یار دیرین ذیحق. مدیر "زوفا" یعنی "حمید شهنقی" از دوستان قلمی من و ذیحق است. یاد شعرها و نوشته‌هایش هنوز مسرورم می‌سازد و سادگی و بی‌آلایشی‌اش رشک برانگیز. تاریخ چاپ این مجموعه‌ی قصه، سال 1380 را دارد. در 2000 نسخه که به بهای 500 تومان عرضه شده است.

ذیحق پیش از اینها نیز توان خود را در زمینه‌های مختلف آزموده است و من هنوز کار ستودنی او وی را به نام "غلام حیدر داستانی" را به یاد دارم. این اثر عاشقی به زبان مادری ذیحق است. پرداخته‌ی ذیحق و از سلسله

داستانهای شفاهی آذربایجان که به همت وی به کسوت نثر شیرین دیارمان در آمده است .

" قشقائی ائل ادبیاتی " و " آذربایجان گولوشی " از جمله کارهای ذیحق که در سالهای پیش از این شاهدش بودم . اینها تمامی کارهای وی نیست . او از سالهای سال با جرأید همکاری داشت . کارهایی که در اوایل انقلاب اسلامی با " کیهان فرهنگی " انجام می داد و زمانی که حسین فیض الهی (اولدوز) در کار تهیه و انتشار مجله " دده قورقود " بود و زمانی که با بنده در " آدینه " بود و بعد از آن در نشریه ی " صاحب " تبریز ، ذیحق هیچ وقت مرا فراموش نکرده است و من همیشه چسم به راه نامه هایش بودم و کارهای تازه اش.

به نقل از روزنامه ی " صاحب " ، چاپ تبریز، چهارشنبه 3 مرداد 1380- سال
دهم شماره 545

* " آدینه " ویژه نامه ی نشریه ی " مهد آزادی " تبریز بود که روزگاری به همت " صمد بهرنگی " تأسیس شده بود و در سالهای بعد از انقلاب اسلامی ، چندین سال توسط " قاسم ترکان " (قاسم قاسمی ترکان) در روزهای شنبه و با محوریت فرهنگ و ادب و تکیه بر ادبیات پیشرو ایران و جهان در 8 صفحه ی مستقل منتشر می شد . بعد ها قاسم ترکان به انتشار نشریه " صاحب " اقدام کرد که پیش از آن مسئولیت اش با شاعر و روزنامه نگار مطرح آذربایجان ، زنده یاد " کریم شفایی ارسنجانلی " بود .